



## نقش امام رضا(ع) در تثبیت خط امامت

پیغمبر می‌گویند آن وجودی که سرمایه من است، میوه دلم صدیقۀ اطهر است و دومین وجودی که سرمایه وجودی من است و از من است، علی بن موسی الرضا است. چرا؟ چون اگر این دو وجود مقدس نبودند، مسئله امامت که مسئله ناب اسلام است، از بین می‌رفت و امامت براندازی می‌شد.

خراسان دفن می‌شود. بضعه را ما ترجمه می‌کنیم «پاره تن»؛ اما این طور نیست. بضعه از ماده بضاعت است. بضاعت یعنی سرمایه. در اجزای بدن انسان، آن عضوی که جنبه سرمایه‌ای دارد، بضعه نامیده می‌شود. کبد و قلب را بضعه می‌گویند؛ چون سرمایه حیاتی است.

«پیغمبر اکرم(ص) درباره دو عزیزشان تعبیر «بضعه» را به کار بردند: وجود مقدس صدیقۀ اطهر(س) و وجود اقدس امام رضا(ع). درباره صدیقۀ اطهر فرمودند: «این فاطمة بضعة منی.» (فاطمه بضعه من است.) درباره امام هشتم فرمودند: «ستدفن بضعة منی بخراسان.» (بضعه‌ای از من در سرزمین

### عزت و عظمت خدام امام رضا(ع)

«خدام امام رضا(ع) خیلی عزت و عظمت دارد. شما در اذن دخول که می‌خوانید: «و أستاذن خلیفتک الإمام المفروض...»

.....ادامه مطلب صفحه ۵

### جلوگیری از تکرار این حوادث

«حادثه جان‌گداز تصادف قطار که متأسفانه عده‌ای از زوار امام هشتم(ع) آسیب دیدند و بعضی از بین رفتند، باعث تأثر خاطر شد.

.....ادامه مطلب صفحه ۴

### از امام رضا(ع) چه بخواهیم؟

«بسیاری از من می‌پرسند: «شب ولادت امام رضا(ع) از حضرت چه حاجتی بخواهیم؟» اینکه می‌گوییم: «از امام رضا(ع) چه بخواهیم؟» مفهوم خوبی ندارد.

.....ادامه مطلب صفحه ۲



و خصّصتنا بهذه النعمة فصل على مولانا و سيدنا صاحب الزمان و اجعلنا من أنصاره و أعوانه و الذابین عنه و المستشهدین بین یدیه طائعين غير مكرهين في الصف الذي نعت أهله في كتابك كأنهم بنیان مرصوص على طاعتك و طاعة رسولك و آله عليهم السلام. اللهم هذه بيعة له في اعناقنا الى يوم القيامة. عباد الله، اوصيكم و اوصى نفسي بتقوى الله.

همة شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى.

اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين و المؤمنات في مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرّها حيّهم و ميّتهم و عنا و عن والدينا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما أحصاه كتابه و أحاط به علمه.

اللهم إنا نجّد له في هذا اليوم و في كل يوم عهداً و عقداً و بيعة له في رقابنا. اللهم كما شرفتنا بهذا التشريف و فضّلتنا بهذه الفضيلة



«الحمد لله المتفرد بالكبريا و أشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمة للوراء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين علي ابن أبي طالب و أولاده المعصومين هم

## از امام رضا(ع) چه بخواهيم؟

قدست، به اعظم صفات و اسمائت دو چیز می‌خواهيم:

يکي اينکه زندگي مان را با ياد خودت آباد کنی؛

دوم اينکه با خدمتي که در درگاه عبوديت تو انجام می‌دهيم، زندگي مان را از پراکندگي درآوری.

بينيد برادران و خواهران جوان، شما تازه وارد زندگي شده‌ايد و تجربه‌تان کمتر است. در زندگي دو چیز ما را از پا درمی‌آورد: يکي ويراني زندگي است. زندگي ای که ويران باشد، در هر جای اين زندگي قرار بگيريم، با «چه کنیم؟» روبه‌رويم: چطوری غذاييمان را تأمین کنیم؟ چطوری زندگي مان را اداره کنیم؟ چطوری شب و روزمان را بگذرانيم؟ به کدام رشته تحصیلی برويم؟ کدام شغل را انتخاب کنیم؟ همه زندگي مان با «چه کنیم؟» است. حتی اگر بخواهيم در خرابه و ويرانه هم زندگي کنیم، همين‌ها را می‌پرسيم. دنيا برای ما دقیقاً همین است.

اين ويرانه‌بودن زندگي، ما را از پا درمی‌آورد. هم فکر ويرانه‌بودن زندگي ما را از پا درمی‌آورد و هم گرفتارشدن به زندگي در ويرانه دنيا ما را گرفتار می‌کند. همين فکر

هشتم(ع) نيست. هرچه درباره مسائل مادی، زندگي، مشکلات فردی و اجتماعی بخواهيم، حضرت(ع) تأمین می‌کند.

در زيارت جامعه کبيره می‌خوانيم: «بموالاتکم علمنا الله معالم ديننا و أصلح ما کان فسد من دينانا»<sup>۱</sup> آقا، عشق شما دينمان را به ما ياد داد. همه خرابی‌های دنيای ما را هم عشق شما آباد ساخت و وابستگي به شما درست کرد. بنابراین نمی‌شود محدود کرد که از امام رضا(ع) چه بخواهيم؛ اما هرچه بخواهيم، به ارزش اين خواسته نمی‌رسد که در فقرات دعای کميل از خداوند می‌خواهيم. در دعای کميل با خدا خیلی حرف می‌زنيم و حرفمان به اينجا می‌رسد که دو بار هر بار خدا را صدا می‌زنيم و می‌گويم: «يا رب يا رب يا رب يا إلهي و سيدي و مولاي و مالک رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري و مسکنتي يا خبيراً بفقري و فاقتي يا رب يا رب يا رب.» بعد از اين صدازدن با «يا رب» در دو فصل، و همچنين صدازدن با عناوين ديگر، می‌گويم: «أسألك بحق و قدسک و أعظم صفاتک و أسمائک أن تجعل أوقاتني من الليل و النهار بذكرک معمورة و بخدمتک موصولة»<sup>۲</sup> خدایا بعد از اين همه صدازدن‌ها، به حقت، به



«كلام ما در خطبه اول در موضوع «تقوای عملی» بود. با توجه به اينکه امروز مصادف است با شب ميلاد مسعود امام هشتم(ع)، در بحث تقوای عملی به نکته‌ای اشاره می‌کنم. ماه ذی‌القعدة به امام رضا(ع) تعلق دارد. مسئله مهم برای شما برادران و خواهرانی که به زيارت امام هشتم آمده‌ايد و نيز برای شما عزيزان مجاوری که مقيدید امشب و فردا ملازم محضر مقدس امام هشتم(ع) باشيد، درخواست حاجات خودتان از امام رضا(ع) است.

بسیاری از من می‌پرسند: «شب ولادت امام رضا(ع) از حضرت چه حاجتی بخواهيم؟» اينکه می‌گويم: «از امام رضا(ع) چه بخواهيم؟» مفهوم خوبی ندارد. مفهومش اين است که امام رضا(ع) یک چیز بیشتر نمی‌دهد! عنايت و رأفت امام هشتم(ع)، آن‌هم در ماه ذی‌القعدة و مخصوصاً در شب و روز متعلق به خود ايشان، آن قدر هست که آنچه بخواهيم، امام رضا(ع) به ما می‌دهد. هيچ محدوديتی در عنايت امام





شب می‌بینیم عجب زندگی آبادی داشته‌ایم، هیچ «چه کنم»ی نداشته‌ایم و همه مشکلات برطرف شده است، محبوبیت ایجاد شده و از همه مهم‌تر اینکه خسته نشده‌ایم، نشاط کارمان محفوظ مانده و شده‌ایم مصداق «تجعل أوقاتى... مأمورة».

۱. شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۵۴۹.
۲. شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۶۶؛ سید بن طاووس، اقبال الأعمال، ج ۲، ص ۷۰۹.

راضی بشود؟

۳. سهم خدا در کار ما چیست؟ این کارمان چقدر خدمت به مردم و بندگان خداست؟ چقدر خدمت به دین ماست؟ چه اندازه از این کارمان عبادت است؟ برادران و خواهران، اگر در این ویرانه زندگی این نقش را داشتیم، یعنی در هر عملی خدا را به یاد آوردیم، این زندگی آباد می‌شود. باید از صبح تا شب این طور کار کنیم؛ بعد

اینکه می‌خواهیم در عرصه این دنیا چه کنیم، ما را مستأصل می‌کند.

در این جمله دعای کمیل، بعد از این همه صدازدن خدا و قسم‌دادن، می‌گوییم: «أَنْ تجعل أوقاتى من الليل والنهار بذكرك معمورة». خدایا، در این ویرانه یک آبادی برایم درست کن. آن آبادی ذکر و یاد توست. یعنی اگر «لااله الا الله» گفتیم، زندگی مان آباد می‌شود؛ اگر «استغفرالله» گفتیم، زندگی مان آباد می‌شود. اینکه «خدایا توبه وسیله ذکر، در زندگی ام آبادی ایجاد کن»، یعنی چه؟ ذکر «لااله الا الله» و «سبحان الله» و «الله اکبر» نیست. این ذکر از قبیل اذکاری نیست که عده‌ای به عنوان عارف به ما یاد می‌دهند. این ذکر عبارت است از اینکه در زندگی هر کار می‌خواهیم بکنیم، در آن کار سه نکته را مدنظر داشته باشیم:

۱. از طرف خدا اجازه داریم یا نه؟ این کار حلال است یا حرام؟
۲. چطور این کار را انجام دهیم که خدا

## خدمت به پروردگار، انسجام بخش زندگی

کن و از پریشانی و متلاشی شدن نجات بده، خدایا، به عزت امام هشتم (ع)، نقطه کمال ایمان و زندگی ایمانی ما یعنی فرج و ظهور مولایمان بقیة الله را تعجیل بفرما.

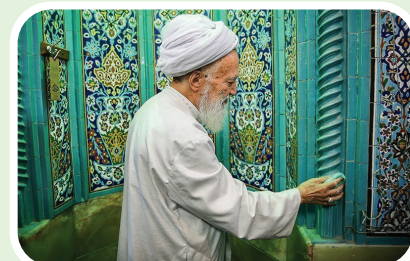
خدایا، در این عید امام هشتم (ع) عیدی کامل، هم در دنیا و هم در آخرت، از محضر مقدس علی بن موسی الرضا (ع) به همه ما کرامت بفرما.

خدایا، ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار را از دل دادگی و دل بستگی ما به ولایت علی بن موسی الرضا (ع) بهره‌مند کن. سایه پُربرکت رهبر معظم انقلاب را بر سر ما مستدام بدار.

پروردگارا، انواع خیرات و برکاتی را که شایسته این سرزمین مقدس ولایی علی بن موسی الرضا (ع) است، بر همه این کشور نازل بفرما.

داریم جلو می‌رویم و تا آخر عمر می‌خواهیم همین مسیر را ادامه دهیم. تنها چیزی که در زندگی ما انسجام به وجود می‌آورد، خدمت به پروردگار است. اگر کارهایمان عبادت باشد، خدمت به دین یا مردم باشد، زندگی مان یکپارچه می‌شود. هر کار و شغلی داریم، یک گوشه‌اش باید عبادت و توجه به خدا باشد. این، زندگی را از متلاشی شدن نجات می‌دهد و پراکندگی از بین می‌رود.

همه این‌ها روی هم رفته تقوای عملی است. انسان باید تقوا را در برنامه‌های عملی خود اجرا کند. شما برادران و خواهران، هرچه دوست دارید، از امام رضا (ع) بخواهید؛ اما بعد از همه خواسته‌هایتان، این جمله دعای کمیل را هم از امام رضا (ع) بخواهید. خودتان را به امام رضا (ع) بسپارید و بگویید: «آقا، زندگی ما را با این دو خصوصیتی که امیرالمؤمنین (ع) یاد دادند، آباد



«دومین چیزی که در زندگی از آن رنج می‌بریم، پراکندگی زندگی است و اینکه کارهایمان با هم جور در نمی‌آید. کاری را شروع می‌کنیم و وسط کار خسته می‌شویم. مسئولیتی را می‌گیریم و بعد از چند روز خسته می‌شویم. کاری هم که انجام ندهیم، از انجام‌دادن و بیکاری ناراحت می‌شویم! اوقاتمان از هم پاشیده است و به هم متصل نیست. از یک کارمان خوشمان می‌آید و از کار دیگرمان بدمان می‌آید. یک کار را انجام می‌دهیم و پشیمان می‌شویم، کار دیگری را انجام می‌دهیم و بعد می‌گوییم: «چرا کم کردم؟!» باید بدانیم مسیری را پیش گرفته‌ایم و



### «خطبه دوم

عباد الله، اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله. همه شما برادران و خواهران و خودم را

به تقوای الهی سفارش می کنم.

فرارسیدن سالروز میلاد مسعود ولی نعمت عزیز و بزرگوار ما امام هشتم ثامن الحجج (ع) را

به محضر مقدس شما برادران و خواهران تبریک عرض می کنم و امیدوارم همه ما مشمول رأفت خاص آن حضرت در این ایام قرار بگیریم.

## مسئولان پای جلوگیری از تکرار این حوادث باشند



«حادثه جان گداز تصادف قطار که متأسفانه عده ای از زوار امام هشتم آسیب دیدند و بعضی از بین رفتند، باعث تأثر خاطر شد. امیدواریم خداوند متعال عزیزانی را که در مسیر زیارت امام هشتم (ع) به این آسیب مبتلا شدند، در ردیف شهدای اسلام محسوب بفرماید و آن برادران و خواهرانی را که دچار جراحت شدند، در زمره جانبازان فداکار اسلام محسوب فرماید.

همه برادران و خواهران و مسئولان باید توجه کنند: الان دوسه حادثه رخ داده که حادثه طبیعی نیست: حادثه آبادان، قضیه قطاری که از مشهد برمی گشت و یک حادثه دیگر در شهر ما که حادثه طبیعی نیست. به هر حال ندانم کاری یک انسان این حادثه را به وجود آورده است.

من هم این را شنیده ام و خبر قطعی ندارم و ان شاء الله که این طور نباشد. گفته شده راننده بیل مکانیکی در حالت عادی نبوده و آن را وسط راه آهن گذاشته است. این اقدام به قیمت از دست رفتن ۲۲ نفر انسان و عزیز، عزاداری ۲۲ خانواده تمام شده است. نمی شود به سادگی از کنارش گذشت. این بی توجهی و مراقبت نکردن موجب حادثه شده است. مگر خط ریل آزاد است و نگهبان ندارد؟! یک انسان بی احتیاط بیاید جان ۲۲

نفر انسان را بگیرد و ۸۰ نفر را زخمی کند؟! حالا چقدر خسارت های مالی به بیت المال وارد شده است، این را هم خدا می داند. از جریان نمی شود گذشت. نمی شود از کنار مسئله بگذریم و بگوییم این ها شهدای راه خدا هستند، این ها هم جانباز راه و به همین اکتفا کنیم. این نه تنها جای بررسی دارد؛ بلکه باید از افراد و ابعاد مختلف پیگیری شود. در هر حال این گونه حوادث قابل تحمل نیست. زلزله و حوادث طبیعی ممکن است صدها نفر را از بین ببرد. این حادثه طبیعی قابل پیش بینی نبوده است؛ اما در این حادثه ارادی، پای یک انسان وسط است. داستان

ساختمان آبادان هم از همین مقوله است و قابل گذشت نیست. امیدواریم مسئولان ما نه تنها به دنبال پیگیری علل حادثه، بلکه در پی اجتناب از وقوع دوباره این حوادث باشند. برادران و خواهران، این روحیه و لنگاری و این روحیه بی بندوباری هم که به افراد ما دست داده، در همه کارها بسیار روحیه مضری است؛ مخصوصاً برای نسل جوان ما که اگر این ها این طور بار بیایند، خیلی سخت است. عزیزان ما و مخصوصاً بزرگوارانی که در مسئولیت های فرهنگی کشور هستند، سعی کنند این روحیه و لنگاری، رخوت، سستی و باری به هر جهت بودن را از افراد بگیرند.

## «خدا در کانون توجه امام رضا (ع)

تولیت آستان قدس جناب آقای دکتر رحمتی استفاده کردیم و یک گزارش همگانی درباره خدمتگزاری و نوکری در این آستان مقدس را بیان فرمودند. وظیفه ما هم تشکر از این

طبق معمول مقارن با میلاد مسعود امام هشتم (ع)، کسی فعالیت ها و خدمات خالصانه آستان قدس را گزارش می دهد. امروز از بیانات اثربخش و بسیار مفید قائم مقام محترم







عمر در خدمت حضرت باشم، آنجا همیشه در خدمت حضرتتم. آمد به این آقای خراسانی گفت: «من اهل این معامله نیستم. آنی که من دارم، ارزشش بیشتر است.»<sup>۱</sup> خوش به حال شمايي که خدمتگزار امام رضا(ع) هستيد.

حضرت در سفر بودند. رسم حضرت این بود وقتی موقع غذا می‌شد و سفره می‌انداختند، با خدمه سر یک سفره می‌نشستند. یک نفر از شیعیان بلخ شنیده بود امام رضا(ع) می‌آیند. آمد در مسیر راه تا حضرت را ببیند. کاروان پیاده شدند و همه سر سفره نشستند و غذا می‌خورند. از یک نفر پرسید: «امام رضا کجا هستند؟» امام را نشان داد. بلخی ناراحت شد که: «آقا، شما لااقل یک سفره دیگر ببندازید و بنشینید که یک نفر آمد، شما را بشناسد.» حضرت غضبناک شدند و گفتند: «ساکت شو! من با این‌ها چه فرقی دارم؟! تفاوت من با این‌ها چیست؟ من و این‌ها همه از آدم و حوا هستیم. چه امتیازی به این‌ها دارم که سفره‌ام را جدا کنم؟»<sup>۲</sup>

۱. شیخ عباس قمی، منازل الآخرة و المطالب الفاخرة، ص ۲۸۲؛ حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۱۴۷.

«من حاضرم؛ اما باید از آقا اجازه بگیرم.» غلام به مسجد آمد و به حضرت گفت: «اگر خیری به من برسد، شما مانع می‌شوید؟» گفتند: «چرا مانع بشوم؟ کمک هم می‌کنم این خیر بهتر به تو برسد.» موضوع را به حضرت عرض کرد: «آقای ثروتمند، ملک‌دار، پول‌دار، مستغلات‌دار و سرمایه‌دار، هستی‌اش را به من می‌دهد و من افسار اسب را به او بدهم و بعد از این، خدمتگزار شما به جای من، این شخص باشد.» حضرت فرمودند: «من راضی‌ام و حرفی ندارم. به تو قول می‌دهم مشکلی هم در زندگی ات پیدا نمی‌شود و مشکلی هم در زندگی پیش آمد، از هر جا متوسل بشوی، مشکلت را برطرف می‌کنیم. ارتباطمان را هم با تو قطع نمی‌کنیم و تو برو زندگی راحتی داشته باش.» این غلام خوش حال بلند شد برود. دوسه قدم از حضرت فاصله گرفت. حضرت(ع) صدایش زدند و گفتند: «چون مدتی با ما بودی، خواستم این را به تو بگویم: هر کس هر قدر اینجا با ما باشد، آن طرف هم همین قدر با ماست.» این را که فرمودند، غلام فکر کرد و گفت من تا اینجا در خدمت حضرت بوده‌ام و آنجا همین قدر در خدمت حضرتتم. اگر تا آخر

خدمات و زحمات عزیزان است.

بنده به نمایندگی از همه شما مردم دل‌داده ساحت مقدس امام هشتم(ع)، از خدمتگزاران حریم مطهر علی بن موسی‌الرضا(ع) و در رأس آن تولیت آستان قدس حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای مروی و همه عزیزان خدمتگزار در این آستان مقدس متشکرم و امیدوارم اجر خدمتگزاری‌شان را از خود امام رضا(ع) بگیرند.

امام رضا(ع) به خدامشان خیلی توجه دارند. دو نکته را عرض کنم: امام صادق(ع) در مدینه بودند. یکی از شیعیان خراسانی به حج رفت. به مدینه که رسید، تصمیم گرفت خدمت امام صادق(ع) برسد. رفت در خانه حضرت را زد. گفتند: «حضرت منزل نیستند.» گفت: «کجا حضرت را ببینم؟» گفتند: «مشرف شده‌اند مسجد. به مسجد رفت. دم در مسجد که رسید، دید اسبی را زین کرده و کنار در مسجد نگه داشته‌اند و غلامی افسار اسب را دست گرفته است. از یکی پرسید: «امام صادق را در مسجد ندیدی؟» گفت: «این اسب اسب امام صادق و این غلام هم غلام ایشان است. حضرت در مسجد نماز می‌خوانند که ببینند سوار شوند و برگردند.» یک مرتبه تکان خورد. نزد غلام آمد و گفت: «من از فلان شهر آمده‌ام. آمده‌ام با تو معامله کنم. حاضری معامله کنی؟» غلام گفت: «چه معامله‌ای؟» گفت: «من در آن شهر خانه، زندگی، مستغلات و املاک دارم. همه را می‌دهم به تو. تو افسار این اسب را به من بده تا من بشوم غلام امام صادق و تو بشوی صاحب این املاک و مستغلات.» غلام فکر کرد و دید معامله بدی نیست. گفت:

## عزت و عظمت خدام امام رضا(ع)



لحظه آخر هم که حضرت(ع) مسموم شده بودند، به اباصلت گفتند: «اگر الان من از بین بروم، خدام من غذا نمی‌خورند. سفره ببنداز این‌ها بنشینند و غذا بخورند که اگر بعد

حادثه رخ داد، این‌ها بی‌غذا نباشند.» اباصلت می‌گوید سفره انداختم و خدام را به سر سفره صدا کردم. خدام گفتند: «تو کی دیدی ما بدون حضرت سر سفره بنشینیم؟»





برادران و خواهران، خادم امام رضا(ع) خیلی عزت و عظمت دارد. شما در اذن دخول که می‌خوانید: «و أستاذن خلیفتک الإمام المفروض علی طاعته و الملائکة الموکلین بهذه البقعة المبارکة»<sup>۱</sup> خادم امام رضا(ع) فرشته است، این عزیزی که آنجا ایستاده و خدمت می‌کند، فرشته است، با اخلاص و اشک و عشق. به صورت این‌ها نگاه کنید، قطرات اشک صورتشان را گرفته و خدمت می‌کنند. با این اخلاص، این‌ها فرشته هستند. همان ملائکه این‌ها هستند. این‌ها عزت و عظمت دارند و از همه خدمات و زحمات و اخلاص ایشان در انجام وظیفه‌شان متشکریم و امیدواریم خداوند متعال به پاس این خدمات، دنیا و آخرت شما را اداره کند.

در دنیا در خدمت امام رضا(ع) هستید و از لحظه‌ای که قابض الارواح سراغ شما می‌آید، آقا ببینند بالای سر شما و آنجا هم در خدمت حضرت باشید. آقا این قدر آقا است که آنجا هم می‌تواند برای من آلوده جایگاهی درست کند و من را بیاورد آنجا و در قبری که

پیچ‌وخم‌ها و درگیری‌ها در زندگی کمتر ائمه‌ها وجود داشته است. همه درگیر شیطنتهایی بودند؛ اما شیطننت مأمون ملعون از همه بیشتر بود. آن‌ها با امام دشمن بودند؛ اما مأمون با اساس امامت دشمن بود و می‌خواست ریشه امامت را بکند. امام رضا(ع) سعی می‌کردند جنایت‌های مأمون و جنایت‌هایی را که متوجه خط امامت بود، از بین ببرند.

.....  
۱. شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۳۱۱.

خودم برای خودم ساخته‌ام نگذارند، جایی را برایتان بسازند تا به جایی که با اعمال خودتان محسورید نروید. این قدر امام هشتم(ع) آقا است و این قدر آقایی حضرت را شما یاد داشته باشید که هم دنیا و هم آخرتتان را اداره می‌کنند.

وجود مقدس امام هشتم در تمام عرصه‌های زندگی‌شان گرفتار شیطنتهای و فتنه‌ها بودند. در همه عرصه‌هایی که در زندگی امام رضا(ع) پیش آمد، این گرفتاری و

## نقش امام رضا(ع) در تثبیت خط امامت



طفولیتش که حادثه‌ای رخ داد، از آن زمان تصمیم گرفت امامت را براندازد و در مقابل خلافت عباسی، جریانی به عنوان امامت نباشد. وجود مقدس امام رضا(ع) اگر نبودند و فتنه‌های مأمون را بر ملا نمی‌کردند، امامت از بین می‌رفت و منقطع می‌شد؛ لذا پیغمبر اکرم همان طور که از حضرت زهرا(س) تعبیر به بضعه کردند، از وجود مقدس امام هشتم(ع) نیز تعبیر به بضعه کردند.

است، علی بن موسی الرضا است. چرا؟ چون اگر این دو وجود مقدس نبودند، مسئله امامت که مسئله ناب اسلام است، از بین می‌رفت و امامت براندازی می‌شد.

اساس امامت را بعد از انحراف رهبری در سقیفه از خط امامت، وجود مقدس صدیقه اطهر(س) حفظ کردند. اگر جریان امامت آن روز ادامه پیدا نمی‌کرد، این خط قطع می‌شد. آن روز سه نفر بودند که می‌گفتند: «اشهد ان علی ولی الله»، امروز سیصد و چهارصد میلیون انسان روی زمین می‌گویند: «اشهد ان علی ولی الله» و اگر حضرت آن روز این سه نفر را حفظ نمی‌کردند، امامت از بین می‌رفت.

در زمان امام هشتم(ع)، توطئه و دسیسه مأمون براندازی امامت بود و از چه زمانی مأمون تصمیم گرفت امامت را براندازی کند؟ در دوران

پیغمبر اکرم(ص) درباره دو عزیزشان تعبیر «بضعه» را به کار بردند: وجود مقدس صدیقه اطهر(س) و وجود اقدس امام رضا(ع).

درباره صدیقه اطهر فرمودند: «ان فاطمة بضعة منی»<sup>۱</sup> (فاطمه بضعه من است). درباره امام هشتم فرمودند: «ستدفن بضعة منی بخراسان» (بضعه‌ای از من در سرزمین خراسان دفن می‌شود). بضعه را ما ترجمه می‌کنیم «پاره تن»؛ اما این طور نیست. بضعه از ماده بضاعت است. بضاعت یعنی سرمایه.<sup>۲</sup> در اجزای بدن انسان، آن عضوی که جنبه سرمایه‌ای دارد، بضعه نامیده می‌شود. کبد و قلب را بضعه می‌گویند؛ چون سرمایه حیاتی است.

پیغمبر می‌گویند آن وجودی که سرمایه من است، میوه دلم صدیقه اطهر است و دومین وجودی که سرمایه وجودی من است و از من





حقیقت ایمان بنده کامل نمی‌شود مگر در وی سه ویژگی باشد:

فهم دین، اندازه‌گیری درست در زندگی،  
شکیبایی در سختی‌ها و گرفتاری‌ها.

تحف العقول ص ۳۱۲

ما را از پایداری مردم ما در پای ستون خیمه این  
نظام خشنود و راضی بگردان.

سایه پربرت رهبر معظم انقلاب را بر سر  
ما مستدام بدار.

دشمنان ناپاک ما را در جبهه‌های کفر و  
نفاق و استکبار، ذلیل و نابود و ریشه‌کن بفرما.

.....

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۵۴.
۲. و البضاعة قطعة من المال تعدّ للتجارة (حسن  
مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱،  
ص ۲۸۴).

منوره و این مضجع شریف در این کشور ولایی،  
مردم ما را مستفیض بگردان.

خدایا، ارکان نظام ما را در پناه رأفت علی  
بن موسی الرضا (ع) از همه خطرات محافظت  
بفرما.

خدایا، نقطه جلال و کمال عظمت علی بن  
موسی الرضا (ع) و آرزوی اصلی امام هشتم (ع)  
یعنی فرج و ظهور مولایمان بقیه الله را تعجیل  
بفرما.

ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار

خدایا، این مردان و زنان به زیارت بضعة  
پیغمبر آمده‌اند. شما برادران و خواهران امروز که  
در حرم امام رضا (ع) هستید، اینجا هم تکه‌ای از  
وجود پیغمبر را که سرمایه پیغمبر است، دارید  
زیارت می‌کنید؛ پس دارید پیغمبر را زیارت  
می‌کنید و با حضور در محضر امام هشتم (ع)،  
انگار دارید در مدینه زندگی می‌کنید.

خدایا، این نعمت اقامت و ملازمت محضر  
علی بن موسی الرضا (ع) را تا دم مرگ از ما نگیر.  
خدایا، از همه برکات و رحمت این قبه



## اکران شهری پوستره‌های دهه کرامت

هم‌زمان با فرارسیدن ایام دهه کرامت، پرده‌هایی در توصیف و بیان درس‌هایی از امام رضا علیه السلام توسط همسنگرهای مسجدی در سطح شهر مشهد مقدس نصب گردید.



سایت مرکز رسیدگی به امور  
مساجد استان‌های خراسان  
Masjedkh.ir



مرکز رسیدگی به امور مساجد  
استان‌های خراسان



سایت آیت الله علم الهدی  
Alamolhoda.com